

# فرهنگ ملی ما را به سیاست و قدرت فروختند!

گفتگوی کمیته بین المللی نجات پاسارگاد با فرهنگ قاسمی

... فرهنگ یک ملت عبارت از مجموعه ای از برجستگی های شفاف علمی و هنری و ادبی و اخلاقی و اعتقاداتی مردم یک سرزمین در طول زمان است. زمان و فرهنگ هر دو باهم سازنده تاریخ یک ملت و یک سرزمین اند. پس فرهنگ در چالش های اجتماعی و فردی هستی می گیرد. انسان هایی که سرزمینی را برای زیستن برگزیده اند و معماران مدنیت آن شده اند؛ در امر ایجاد فرهنگ ملی نقش اساسی دارند. به بیانی دیگر فرهنگ نه تنها تعلق به مردم یک جامعه دارد بلکه همینطور متعلق به یک سرزمین نیز می باشد.

**کمیته بین المللی نجات: جناب قاسمی آیا شما به عنوان یک شخصیت علمی و سیاسی، که در امور فرهنگی و حقوق بشر نیز فعال بوده اید، حفظ و نگاهداری از میراث فرهنگی و تاریخی و یا میراث طبیعی و محیط زیست را امری جدی می دانید؟**

**فرهنگ قاسمی:** ابتدا اجازه می خواهم از اقدامات شما هموطنان گرامی در ایجاد بنیاد میراث پاسارگاد و خدماتی که در چارچوب آن برای دفاع از فرهنگ و تاریخ ایران بکار می برید صمیمانه سپاسگزاری کنم.

اما برای اینکه به سوال اول شما پاسخ بدهم بد نیست کمی در باره فرهنگ و تاریخ بعرض برسانم، زیرا اگر این مفهوم ها روشن شوند براحتی به نتایجی دست خواهیم یافت که پاسخ بقول شیخ شیرازی به تبع حاصل شود. به راستی فرهنگ یک ملت و تاریخ آن چیست ؟

فرهنگ یک ملت عبارت از مجموعه ای از برجستگی های شفاف علمی و هنری و ادبی و اخلاقی و اعتقاداتی مردم یک سرزمین در طول زمان است. زمان و فرهنگ هر دو باهم سازنده تاریخ یک ملت و یک سرزمین اند. پس فرهنگ در چالش های اجتماعی و فردی هستی می گیرد. انسان هایی که سرزمینی را برای زیستن برگزیده اند و معماران مدنیت آن شده اند؛ در امر ایجاد فرهنگ ملی نقش اساسی دارند. به بیانی دیگر فرهنگ نه تنها تعلق به مردم یک جامعه دارد بلکه همینطور متعلق به

یک سرزمین نیز می باشد . با توجه به این تفاسیل چگونه می توان تعلق به فرهنگ و سرزمینی داشت و نسبت به فرهنگ و تاریخ آن بی توجه بود و آنرا جدی نگرفت. هرکسی غیر از این عمل کند هویت تاریخی و فرهنگی ندارد. فرهنگ و تاریخ میراث معنوی یک ملت محسوب می شوند؛ در مقابل میراث طبیعی و محیط زیست که بخشی از فرهنگ مادی هر سرزمین را تشکیل می دهند. حفظ میراث معنوی و مادی وظیفه هر شهروند مسول و آگاه است. نظام جمهوری اسلامی و سردمداران آن که به جان فرهنگ و تاریخ ما افتاده اند افرادی عاری از هویت فرهنگی هستند. زیرا هرگاه ادراک فرهنگی می داشتند غیر از این عمل می کردند

**کمیته بین المللی نجات: به نظر شما چه دلیلی دارد که زنان و مردان اهل سیاست ما (در داخل و خارج از ایران) به مسایل میراث فرهنگی و محیط زیست و به طور کلی مسایل فرهنگی کمتر توجه دارند؟**

**فرهنگ قاسمی:** ابتدا باید دید منظور از افراد سیاسی چیست. در واقع این افراد مدعیان اداره یک مملکت با تمام متعلقات آن هستند . نگاهداری و رشد و ارتقاء فرهنگ و تاریخ - میراث معنوی - و طبیعت و محیط زیست - میراث مادی- بخش مهمی از مسئولیت مدیران و رهبران جامعه است. بی توجهی به آنها غیر از تعلل در وظیفه سیاسی نیست؛ بی توجهی به آنها زیر پا نهادن حق نسل های آینده هر جامعه و بی احترامی به هویتی است که یک فرهنگ را از فرهنگی دیگر، یک تاریخ را از تاریخی دیگر و یک سر زمین را از سرزمینی دیگر متفاوت می سازد. فراموش نکنیم که توجه هر فرد به یک موضوع در ارتباط مستقیم با آگاهی ای است که آن شخص از آن موضوع دارد. اگر ادراک و بیداری وجدان در یک فرد نسبت به این موضوعات به اندازه کافی رشد نیافته باشد در صد بی توجهی و بی مسئولیتی در وی گسترش خواهد یافت پس شاید لازم باشد که روی بیداری وجدان ها کار کرد. درست از همین نقطه نظر است همه فعالان سیاسی و اجتماعی با فرهنگ باید که از ابتکار شما استقبال کنند. بهیچ وجه قابل قبول نیست که زنان و مردان سیاسی نسبت به این امور بی تفاوت باشند

**کمیته بین المللی نجات: کمیته بین المللی نجات: فکر می کنید که فرهنگ ملی و فرهنگ سازی در شرایط کنونی سرزمین مان تا چه اندازه می تواند بر بحران های موجود سیاسی واجتماعی ما اثر گذار باشد؟**

**فرهنگ قاسمی:** متأسفانه بسیاری از ارزش های فرهنگی ما دچار حمله بی فرهنگ ترین، متعصب ترین، فاسد ترین، بی رحم ترین اقشار

اجتماعی ایران شده است. گاهی انسان شک می کند که جامعه ما می توانست چنین خلاقیتی را در درون خود داشته باشد، حتما شما هم مثل من بارها و بارها به این موضوع فکر کرده اید، و ریشه های آن را در تاریخ ایران جستجو نموده اید، مقاومت های تاریخی بخشی از جامعه و روشنفکران را در مقابل این توحش می شناسید. امید وارم که این تجربه تلخ بتواند برای همیشه ما را از حاکمیت هائی تبعیض گرا و عقیدتی رها سازد

لازم است نکته زیر را یاد آوری کنم همیشه حکومت های توتالیتر و عقیدتی و دینی همین که مستقر شدند می کوشند فرهنگ ملی را بنا بر ملاحظات عقیدتی و دینی خود تغییر دهند و فرهنگی را که به مصلحت اهداف قدر قدرتی خودشان است بسازند. در حالی که این بی فرهنگ ها نمی داند که فرهنگ ساختنی نیست فرهنگ ملی ذره ذره در اثر ممارست طبیعی یک ملت با ادب و هنر و زیبائی شناسی و اخلاق و علم و اعتقادات در زمان هستی خود را پیدا می کند. اصولا فرهنگ با اعمال زور در مخالفت جدی است. آنچه در زمینه تغییر فرهنگی توسط دیکتاتوری جمهوری اسلامی ملاحظه می شود در مقایسه با واقعیت فرهنگی ما بسیار سطحی است بی تردید همینکه اعمال زور حذف و آزادی و استقلال فردی و اجتماعی جایانشین آن شود، فرهنگ ملی مقام و منزلت واقعی خود را خواهد یافت. بدین ترتیب اثرات فرهنگ سطحی بر هر بحران سیاسی و اجتماعی نمی تواند عمیق باشد.

**کمیته بین المللی نجات: در مورد نامه ی سرگشاده ی اخیر بنیاد میراث پاسارگاد به افراد و سازمان های سیاسی چه فکر می کنید؟**

**فرهنگ قاسمی:** آنرا بدقت خواندم، به نظرم ابتکار بسیار ارزنده ای است و به ویژه اینکار برای بیداری وجدان های کم توجه به این موضوع مهم است. ملاحظاتی چند را در مورد نامه سر گشاده به عرض می رسانم :

در پاراگراف ششم از بحران فرهنگی یاد می شود بنظرم کار از بحران گذشته است، زیرا بحران موقعی واقع می شود که امری از روند هدفمند و برنامه ریزی شده یا نظم معمولی خود تغییر مسیر داده و انتظام منطقی خود را در نوردیده به کج راهه روی کرده باشد. این امر در سال های اول انقلاب حادث شد و در آن هنگام بسیاری از ارزش ها دگرگون گشت و منابع ما به غارت رفت و هرج و مرج فرهنگی و تاریخی و تقلب در تاریخ ایران توسط تاریخ نویسان اسلامی شروع شد و هر آنچه ملی بود اسلامی شد. حتی سازمان های اجتماعی و شالوده های

اقتصادی و فرهنگی با صفت اسلامی هویت اصلی خود را از دست دادند بسیاری از مردان و زنان سیاسی شور بختانه در این دام افتادند و این تغابن تا جایی به پیش رفت که داریوش فروهر، مرد سیاسی مصدقی و ملی قبل از انقلاب، جبهه ملی اسلامی را در کنار جبهه ملی مصدق بوجود آورد در این تلاش های لعل شکن، خرف ها سر بر آوردند و اکثریت قریب به اتفاق مردان سیاسی و روشنفکران با سکوت مرگبار خود خون در دل لعل های ملی و میراث فرهنگی کردند فرهنگ ملی را به سیاست و قدرت فروختند و پیشرفت انحطاط فرهنگی را در کوچه و مدرسه و دانشگاه و محل کار و محافل اجتماعی و سیاسی پذیرفتند ... آری آن دوران دوران بحران بود. امروز در دوران تخریب کامل فرهنگ ملی هستیم. سازمانهای سیاسی و زنان و مردان سیاسی و اجتماعی ای که از کنار این معضل سهمگین می گذرند باید در برابر تاریخ ایران و نسل های آینده پاسخگو باشند و مردم نباید به آنان کوچک ترین اعتمادی را ابراز دارند.

در پاراگراف هفتم شما از مساله مهم وظیفه اپوزیسیون جمهوری اسلامی سخن می گوید:

که باید اپوزیسیون یکی از پایه های حکومت فردای خود را بر زمین استوار فرهنگ ملی و لزوم نگاهداری و نگهداری از میراث فرهنگی و طبیعی ما بگذارد، این اصل را کاملاً تائید می کنم و علاقمندم یکی از تجربیات خود را در این جا بیان کنم. وقتی در اکتبر سال ۲۰۱۰ به دعوت جامعه اروپا در اجلاس علمی اروپا در شهر اسلو، درمورد جهان شمول بودن حقوق بشر به عنوان یکی از سخنرانان دعوت شده بودم به علت تواضع، در سخنانم، فقط اشاره ای به زمینه های احترام به حقوق بشر در تاریخ و فرهنگ ایران کردم و بیشتر با استفاده از آن تریبون، که نمایندگان علمی غالب کشورهای اروپایی و متخصصان درجه اول حقوق بشر سازمان ملل در آن شرکت داشتند، به امر تجاوزات به حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی پرداختم که مورد استقبال شدید شرکت کنندگان واقع شد. اما همکار و دوستم آقای ادوارد ژاگودنیک رئیس فدراسیون دانشگاهها و مدارس عالی اروپا و رئیس انجمن او. ان. جی های آموزشی اروپا در سخنان خود بارها از منشور -استوانه- کورش کبیر بعنوان یکی از اسناد فرهنگی و تاریخی جهان نام برد و آن را یکی از افتخارات ملی ایران دانست. این سند تاریخی یکی و فقط یکی از اسناد تاریخی سرزمین ماست که ما را ملزم می کند که ننگ حاکمیت اسلامی بی فرهنگ را از میهن خود پاک کنیم و پایه های حاکمیت آینده را بر اساس رعایت حقوق انسانی که در فرهنگ ملی ما ریشه های عمیق

دارد بر پا کنیم

**کمیته بین المللی نجات: نظرتان در مورد دو ماده ی پیشنهادی حقوقدانان، در ارتباط با میراث فرهنگی و طبیعی، و برای قانون اساسی آینده ایران چیست؟**

**فرهنگ قاسمی:** هر دو ماده با اصولی که در جهان مدرن و پیشرفته مرسوم است مطابقت می کنند. اما دو ملاحظه کوچک شاید تکمیل کننده باشد: در اصل چهل و دوم وقتی گفته می شود:

درآمد های ملی حاصله باید در جهت توزیع فعالیت های اقتصادی میان استان ها و مناطق مختلف کشور مورد استفاده قرار گیرد؛ پیشنهاد می کنم بعد از کلمه کشور جمله - که تمامیت ارضی ایران را محترم می شمارند- اضافه شود.

در ارتباط با اصل چهل و چهارم، سطر پنجم چنین آماده است:

به ترتیب از طریق درآمد زائی خودگردان آنها، در نظر گرفتن تسهیلات مالیاتی و مانند آن، و در صورت نیاز تصویب بودجه عمومی خواهد بود

باید بگویم که به دلیل موقعیت نامناسبی که در عرض این سی سال اخیر نسبت منابع و میراث فرهنگی به وجود آمده شایسته است دولت به مدت حداقل ده سال، بودجه یی برای تجسس و بازسازی و صیانت و شناساندن منابع فرهنگی و ملی تخصیص دهد. به نظر کسی که از شیوه مدیریت خودگردان بی اطلاع نیست و تجربه های یوگوسلاوی، آلمان، فرانسه - لیبی - را بخوبی مطالعه کرده است، مدیریت خودگردان در شرائط فردای ایران و از واقعیت بدور است. اما یک مدیریت زیر نظر دولت ملی همراه با نظارت نهاد های غیر متمرکز منطقه ای می تواند شروع مناسبی باشد. آنگاه با توجه به تحولات هر میراث باستانی و فرهنگی و محیط زیستی در هر منطقه مدیریت مناسب با توجه به مشارکت نهاد های انتخابی مردم اعمال گردد.

---

فرهنگ قاسمی، یکی از با ارزش ترین و با فرهنگ ترین شخصیت های علمی و سیاسی خارج از کشور ما هستند. ایشان - علاوه بر داشتن نقشی موثر در جمع اپوزیسیون، به عنوان یک کوشنده ی ارجمند حقوق بشر، عضو «شورای هماهنگی جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک»، مدیر سایت پرمحتوای «رنگین کمان»، و نویسنده ی مقالاتی ارزنده، جایگاه

با اهمیت و شایسته ای نیز در سازمان های علمی اروپا داشته و دارند. ایشان یکی از کارشناسان در امر کیفیت مدیریت مدارس عالی در فرانسه هستند. از جمله کارهای ایشان در گذشته و حال می توان از تدریس در دانشگاه های فرانسه، ریاست اتحادیه مدارس عالی فرانسه، عضویت در هئیت اجرایی فدراسیون مدارس عالی اروپا، و تاسیس مدرسه عالی مدیریت در پاریس یاد کرد.

با سپاس از ایشان که وقت ارزشمندشان را در اختیار ما گذاشته و به پرسش های ما پاسخ دادند.

کمیته بین المللی نجات پاسارگاد